

روایتی نزدیک از حاشیه و متن اعدام انقلابی حسنعلی منصور در گفت و شنود با هاشم امانی

منصور برای آمریکا از شاه مهم‌تر بود



محمدرضا کاتانی

روزنامه‌نگار

محکوم شد. اینک در پنجاه و پنجمین سالروز این رویداد، شنوای ناگفته‌های وی از این رویداد شده‌ایم.

از اقدامات شهید نواب صفوی برای متوقف کردن فعالیت‌های کسروی چیزی به یاد دارید؟

شهید نواب صفوی در نجف مشغول تحصیل بود که اخبار اقدامات کسروی به او رسید. علمای بزرگی چون علامه امینی و شهید آیت‌ا… مدنی به شدت در برابر تبلیغات سوء کسروی عکس‌العمل نشان دادند و نهایتاً شهید نواب صفوی تحصیل خود را متوقف کرد و به ایران برگشت تا مانع از اقدامات او شود. شهید نواب چند بار سعی کرد با بحث و استدلال، کسروی را از راهی که می‌رفت برگرداند، ولی او آدم یک‌دنده و لجبازی بود و به حرف کسی گوش نمی‌داد. در ادامه ایشان یک‌بار تلاش کرد که خودش حکم شرع مقدس را دربار او اجرا کند که موفق نشد و نهایتاً شهید سیدحسین امامی به اتفاق چهار تن از فداییان اسلام، کسروی را در کاخ دادگستری از بین بردند. در پی دستگیری این افراد، متدینین که از ترور کسروی بسیار خوشحال بودند، تلاش کردند ضاربین او را آزاد کنند و نهایتاً بازاری‌ها با گذاشتن ۳۰۰ هزار تومان وثیقه موفق شدند. شهید نواب طی اطلاعیه‌ای مردم را در مسجد شاه جمع و سخنرانی پرشوری را برای آنها ایراد کرد. این بار اولی بود که من ایشان را از نزدیک می‌دیدم.

با شهید مهدی عراقی چگونه آشنا شدید؟

خانه ما در گذرقلی، روبروی پانچان بود و با منزل شهید عراقی فقط یک کوچه فاصله داشت. ایشان با همراهی چندتن از دوستانش، هیتایی به نام «ناشرین قرآن» راه انداخته بود که بسیار فعال بود و روی مردم منطقه، به خصوص جوان‌ها تأثیر زیادی داشت. من هم به این هیات می‌رفتم. بعداً مدتی اینها تصمیم گرفتند بروند و با شهید نواب صفوی ملاقات کنند و من هم همراهشان رفتم. شهید نواب آن روز با ما صحبت مفصّلی کردند و گفتند باید با تمام جریانات ضددینی مبارزه کنیم.

در اولین دیدار، چه ویژگی‌هایی در شهید نواب برای شما جالب بود؟

به نظر من شهید نواب صفوی یک انسان استثنایی و خارق‌العاده بود که اخلاص بسیار بالایی داشت. به همین دلیل هم حرف‌هایش به دل می‌نشست و انسان در همان برخورد اول، تحت‌تأثیر شخصیت او قرار می‌گرفت و حرف‌هایش را قبول می‌کرد. ایشان خصوصیات اخلاقی منحصر به فردی داشت، از جمله قاطعیت در برابر انحرافات و کج‌روی‌ها و همین قدرت و شجاعت را هم به اطرافیانش منتقل می‌کرد. به همین دلیل اکثر کسانی که در کنارش بودند، تا آخر عمر به او وفادار ماندند.

به لحاظ زمانی، قدری جلوتر برویم، با توجه به این‌که برادر شما شهید صادق امانی، بیشتر مشرب علمی و روحیه‌ای عرفانی داشتند، چه شد که به مبارزات سیاسی سوق پیدا کردند؟ مضافاً بر این‌که ایشان بسیار متشرب و مقید به احکام دینی بودند و مرجع مطلق آن دوره، مرحوم آیت‌ا… بروجردی ورود مستقیم به مبارزات سیاسی را چندان به صلاح‌دین و حوزه‌های علمیه نمی‌دانستند؟

صحیح می‌فرمایید. مرحوم آخوی علاقه چندان به مسائل سیاسی نداشت و بیشتر اهل موعظه و تذکر و برگزاری جلسات سخنرانی و روضه بود. ایشان با تأسیس گروه شیعیان توانسته بودند در زمینه مبارزه با مراکز فساد، موفقیت‌هایی را هم به دست بیاورد. شهید حاج آقا صادق تا قبل از آغاز نهضت امام، در مبارزات سیاسی وارد نشد و تنها در همین گروه شیعیان، فعالیت‌های مذهبی می‌کرد. اما با شروع نهضت امام، براساس احساس تکلیف دینی، مثل بسیاری دیگر از متدینین وارد مبارزات سیاسی شد.



نمآهنگ «ج» در سالروز شهادت چمران

مدیریت موسیقی و سرود سازمان فرهنگی -هنری شهرداری تهران به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت شهید مصطفی چمران نمآهنگ «ج» را به آهنگسازی امیرحسین سمیعی منتشر کرد. در این نمآهنگ مهدی جهاندار شاعر بخش فارسی، بیتا... جعفری شاعر بخش عربی، امیرحسین سمیعی آهنگساز، وهاب عربی و عبدالرضا هدایتی خواننده‌های گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند.

از شکل‌گیری هیات‌های مؤتلفه اسلامی چه خاطراتی دارید؟

پیش از شروع نهضت امام در سال ۱۳۴۰، هیات‌های مذهبی به طور جداگانه فعالیت می‌کردند. پس از رحلت آیت‌ا… العظمی بروجردی، افراد زیادی از حضرت امام درخواست کردند که مرجعیت را بپذیرند، اما ایشان قبول نمی‌کردند. در دهه ۴۰، برخی هیات‌های مذهبی همسو و همفکر، به توصیه امام ائتلاف کردند و هیات مؤتلفه اسلامی شکل گرفت که انصافاً در نهضت امام به خصوص در قیام ۱۵ خرداد، نقش تعیین‌کننده و مسؤولیت‌ساماندهی به تظاهرات را به عهده داشت.

چه شد که مؤتلفه به این نتیجه رسید که باید عناصر اصلی رژیم شاه را از سر راه بردارد؟ چه کسی این پیشنهاد را داد و کار چگونه سازماندهی شد؟

پیشنهاد از میان برداشتن سران رژیم را شهید حاج صادق امانی داد، چون معتقد بود که هیچ حرف حسابی به گوش این رژیم نمی‌رود، و الا امام هر چه را که لازم بود تذکر داده بودند، اما شاه به جای گوش دادن به نصایح امام و علما، ایشان را از کشور تبعید کرده بود. بعد از کشتار فبیع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و اختناق بسیار سنگینی که متعاقب آن بر سراسر کشور سایه افکند و نفس‌ها را در سینه‌ها خفه کرد، اکثر مبارزان دلسرد و مایوس شده بودند. رژیم هم تصور می‌کرد حالا دیگر دستش برای دستگیری، شکنجه و قتل عام مبارزان باز شده‌است. افرادی مثل حاج صادق اعتقاد داشتند که چنین جو سنگین و سیاهی را فقط صدای گلوله است که می‌تواند بشکند و بار دیگر امید را به دل مبارزان برگرداند. به این ترتیب شاخه نظامی مؤتلفه توسط شهید عراقی و عده دیگری از برادران راه‌اندازی شد. از آنجا که ما در زمینه عملیات مسلحانه سابقه ذهنی و تجربه‌ای نداشتیم، در واقع از نقطه صفر شروع کردیم و قرار شد جوان‌ترهای مؤتلفه در این زمینه فعال شوند.

اشاره کردید که هیچ تجربه‌ای در زمینه مبارزات مسلحانه نداشتید. با توجه به شرایط پلیسی امنیتی‌ای که رژیم حاکم ایجاد کرده بود، چرا این شیوه را انتخاب کردید؟

چاره دیگری نداشتیم. همه مردم خسته و ناامید شده بودند و ما باید به هر شکل ممکن این فضا را می‌شکستیم. اوضاع طوری شده بود که حتی بازاری‌ها هم بعد از تبعید حضرت امام، جرأت نکردند بیشتر از نصف روز بازار را تعطیل نگه دارند.

در چنین شرایطی اعتماد به افراد و عضوگیری به شیوه‌ای که مجموعه لو نرود، کار بسیار دشواری است. در آن دوره، مؤتلفه چگونه عضوگیری می‌کرد؟

اصلاً امکان عضوگیری وجود نداشت. گروه‌های سیاسی به شدت وحشت کرده بودند و فضای سیاسی و اجتماعی، بسیار سیاه و سنگین بود. رژیم شاه هم با حمایت آمریکا، در میدان یک‌تازی می‌کرد. همه افراد و گروه‌های سیاسی به کنجی خزیده و منزوی شده بودند. ابداً نمی‌شد به کسی اعتماد کرد و به همین دلیل هم مؤتلفه این کار را، با چهارپنر نفر آدم مطمئن و معتمد و کاربلد، مثل شهید اندرزگو شروع کرد. ایشان با چند نفر از دوستانش، جلسات مذهبی برگزار می‌کردند و همدیگر را خیلی خوب می‌شناختند. در ضمن با هیأت مؤتلفه هم در ارتباط بودند و با هم درباره این‌که چگونه

هاشم امانی را بهتر بشناسیم

حاج احمد امانی همدانی، روحانی سرشناسی بود که در دوره رضاشاه به علت مقاومت‌های مذهبی خلع لباس شد و در بازار به امانت‌فروشی مشغول بود. هاشم یکی از فرزندان حاج احمد که شاهد سیاست‌های ضددینی رضاشاه بود به مبارزات انقلابی روی آورد. هنگامی که سال ۱۳۲۰ فضای نسبتاً بازی ایجاد شد، جامعه مذهبی به سرعت به بازسازی نهادهای دینی تخریب شده و احیای ارزش‌های مذهبی پرداخت و با شروع فعالیت فداییان اسلام به ویژه حرکتی که مرحوم آیت‌ا… کاشانی آغاز کردند، هاشم امانی به روحانیون مبارز پیوست. او با گروه‌های مبارز دینی از جمله جمعیت فداییان اسلام، مجمع مسلمانان مجاهد و آیت‌ا… کاشانی و نیز با گروه شیعیان همکاری داشت. با آغاز نهضت امام خمینی (ره)، هاشم امانی به فعالیت در هیات‌های مؤتلفه اسلامی مشغول شد. او به عنوان یک بازاری مذهبی در مبارزات سیاسی و مسلحانه علیه رژیم پهلوی فعالیت داشت. کتاب خاطرات وی به قلم عبدا… علی‌آبادی درون کلابی نیز منتشر شده‌است.

نمآهنگ «ج» در سالروز شهادت چمران

مدیریت موسیقی و سرود سازمان فرهنگی -هنری شهرداری تهران به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت شهید مصطفی چمران نمآهنگ «ج» را به آهنگسازی امیرحسین سمیعی منتشر کرد. در این نمآهنگ مهدی جهاندار شاعر بخش فارسی، بیتا... جعفری شاعر بخش عربی، امیرحسین سمیعی آهنگساز، وهاب عربی و عبدالرضا هدایتی خواننده‌های گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند.



راه‌اندازی انجمن خوشنویسی در سرزمین مادری «میرزا طاهر»

شعبه انجمن خوشنویسان ایران در منطقه آزاد ارس به عنوان سرزمین مادری میرزا طاهر خوشنویس، تأسیس شد. ابراهیم نصیری، مدیر فرهنگی و هنری منطقه ارس در این باره گفت: «: در اولین قدم، به همت رئیس این انجمن که از هنرمندان فعال این منطقه است، اولین دوره از آزمون‌های سراسری خوشنویسان با شرکت ۵۳ نفر از هنرمندان برگزار شد.



وزیر امور خارجه و رئیس هیات مدیره انجمن خوشنویسان ایران، ابراهیم نصیری، در کنار سایر اعضای هیات مدیره و اعضای هیئت مدیره انجمن خوشنویسان ایران.

برای اعدام منصور فتوی‌ای شرعی هم داشتید؟

منصور با آن همه خیانت آشکار و پنهانی که به کشور کرده بود، واجب‌القتل بود و از بین بردنش جواز شرعی نمی‌خواست. مضافاً بر این‌که شهید بهشتی و شهید مطهری و دیگران به عنوان نمایندگان امام، با این حرکت مخالفت نکردند.

آقای قاضی شاخه نظامی مؤتلفه لورفت؟

خیر، شاخه‌های سیاسی و فرهنگی لو رفتند و به همین دلیل مرحوم عسکراولادی، شهید لاجوردی، شهید صادق اسلامی و آقای توکلی‌بینا هم به زندان محکوم شدند.

با زوجی‌ها به چه شکل بود؟ آیا شکنجه هم شدید؟

هیچ‌یک از ما در بازجویی‌ها و دادگاه، کارهایی را که کرده‌بودیم، انکار نکردیم. مخصوصاً حاج‌صادق، خیلی صریح جواب داد. به این دلیل به محمد بخارایی اسلحه دادم که برود و منصور را بکشد. از من پرسیدند تو چگونه از ترور منصور باخبر شدی؟ گفتم: در خیابان بودم و دیدم مردم دارند شادی می‌کنند و فهمیدم که حتماً یکی از سران رژیم را زده‌اند. این حرف من خیلی برایشان سنگین بود. ما واقعاً با زوجی‌ها و دادگاه را به مسخره گرفته‌بودیم و همگی شاد بودیم و می‌خندیدیم.

ریاست دادگاه با چه کسی بود و چه احکامی را برای شما صادر کرد؟

رئیس دادگاه سرهنگ بهبودی بود که بعد از انقلاب اعدام شد. در دادگاه بدوی، چهار نفر به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر، من و شهید عراقی را هم اضافه کردند. آیت‌ا… انواری به ۱۵ سال، حاج‌احمد شهاب به ۱۰ سال و حمید ایپکچی به پنج سال حبس محکوم شدند. بعد هم به‌خاطر تلاش علما و مبارزان، حکم من و شهید عراقی به حبس ابد تبدیل شد. روال کار این‌طور بود که وقتی می‌خواستند کسی را اعدام کنند، چند نفر دیگر را هم با او می‌خواستند. بعد بقیه را برمی‌گردانند و او را نگه می‌داشتند و حکم را به او ابلاغ می‌کردند. آن روز هم ما را خواستند و من و شهید عراقی متوجه شدیم که حکم اعدام ما به حبس ابد تبدیل شده‌است.

از حال و هوای شهدا در لحظات آخر عمر برایمان بگویید.

شب آخر، هر ۱۲ نفر در کنار هم بودیم. روحیه همه عالی بود و کسی ترسی نداشت. مرتضی نیک‌نژاد داشت مسواک می‌زد که صدایش زدند تا او را برای اعدام ببرند و او به آمور گفت که کمی منتظر بماند تا مسواک‌زدنش تمام‌شود. شهید حاج‌صادق هم تا لحظه آخر به ما وعده می‌داد که پیروزی اسلام نزدیک است و ما باید روحیه‌مان را از دست ندهیم و همچنان به مبارزه ادامه دهیم.

پس از اعدام چهار شهید مؤتلفه، با شما چه رفتاری داشتند؟

ما را به بند ۵ زندان قصر بردند که جای قاچاقچی و قاتل‌ها و فوق‌العاده شلوغ بود. طوری که نمی‌شد نشست، چه رسد به این‌که بتوانیم بخواهیم و مجبور بودیم تا صبح سراپا بیستیم. آنها تصمیم داشتند به این شکل، روحیه ما را تضعیف کنند و بالاخره با تلاش دوستان در خارج از زندان ما را به زندان شماره ۳ که مخصوص زندانی‌های سیاسی بود، بردند. در اینجا هم از دست چپی‌ها زجر می‌کشیدیم، ولی از وضعیت قبلی بهتر بود.

تصور چپی‌ها درباره اقدام مسلحانه شما چه بود؟

آنها تصور می‌کردند مبارزه مسلحانه ملک‌طلق آنهاست و مسلمان‌ها حق ندارند فعالیت مسلحانه کنند. به همین دلیل هم وقتی ما به جمعیت دیگر از مسلمان‌ها را دیدند که دست به مبارزه مسلحانه زده‌ایم، احساس کردند به حقوق حق آنها تعدی شده و به‌شدت نگران شدند. چپی‌ها در دوره‌ای هم که شهید نواب در زندان بود و ما همراه با جمعی از فداییان اسلام در

زندان تحصن کردیم، همین رفتار را با ما داشتند و نهایتاً هم رژیم حاکم توانست با هم‌دستی توده‌ای‌ها و با ضرب‌وشتم بچه‌ها و مجروح‌کردن آنها، ما را از زندان بیرون بفرستد. چپی‌ها پیش از آنچه که با رژیم مشکل داشته‌باشند، دشمن مذهبی‌ها بودند. آنها در زندان شماره ۳ آن‌قدر ما را اذیت کردند که بالاخره مسؤولان زندان، ما را به زندان شماره ۴ منتقل کردند.

چه شد که شهید عراقی و عده‌ای از زندانی‌های مؤتلفه را به زندان براجران منتقل کردند؟

ماجرای از اینجا شروع شد که در زندان شماره ۴، بیژن جزنی رهبر فداییان خلق تلاش کرد با چند تن از مجاهدین خلق ازجمله مصطفی خوشدل و کاظم ذوالانوار، از زندان فرار کند که مأموران متوجه شدند و آنها را در تپه‌های اطراف زندان اوین به گلوله بستند. بعد هم فشار را روی بقیه زندانی‌ها زیاد کردند و عده‌ای را هم به زندان‌های دیگر فرستادند، ازجمله شهید عراقی، مرحوم آقای عسکراولادی و … ما را هم به زندان شماره ۱- که در دوره رژیم‌آر ساخته شده‌بود- منتقل کردند. این زندان در زمان شهید نواب صفوی، سه بند داشت و حالا سه بند دیگر را هم به آن اضافه کرده‌بودند. ما را به بند ۳ بردند که مخصوص حبس ابدی‌ها بود.

به برخورد چپی‌ها با زندانیان مذهبی اشاره کردید. برخورد مجاهدین خلق که دست‌کم در آن سال‌ها ادعای مسلمانی می‌کردند، با شما چگونه بود؟

آنها را در سال ۱۳۵۰ به زندان شماره ۳ قصر آوردند. رجوی و خیابانی و عطایی هم در بین آنها بودند و سعی کردند ما را با خود همراه کنند، منتهی ما توجهی نمی‌کردیم و آنها را به جمع خود راه نمی‌دادیم. ما در زندان کتاب‌های آنها را مطالعه می‌کردیم و متوجه انحرافات آنها شده‌بودیم و می‌دانستیم که دارند مارکسیست می‌شوند. بعد هم که علما آن فتوی معروف را صادر کردند و به‌کلی از مجاهدین اجتناب کردیم.

شما به حبس ابد محکوم شده‌بودید. چه شد که در سال ۵۵ آزادتان کردند؟

رژیم ادعا می‌کرد به قول خودش همه خرابکارها را دستگیر کرده و دیگر کسی نمی‌تواند علیه رژیم اقدامی بکند و حبس تعداد زیادی زندانی سیاسی در زندان‌ها، به اعتبار بین‌المللی اش صدمه می‌زند. به این دلیل در آذر ۵۵، من و حدود ۲۰ نفر را آزاد کردند. مدتی بعد در بهمن هم حدود ۴۰ نفر دیگر، از جمله شهید عراقی، مرحوم عسکراولادی، مرحوم آیت‌ا… انواری و مرحوم حاج حیدری هم آزاد شدند.

بعد از آزادی از زندان، ظاهراً دیگر فعالیت سیاسی نداشتید. علت چیست؟

نیازی به این کار نبود، چون خود شاه با چاپ آن مقاله کذایی در روزنامه اطلاعات، که مقدمه قیام قم و قیام‌های شهرهای بعدی بود. تیر خلاص را به خود زد. جرقه انقلاب از آنجا به خرمن وجود مردمی افتاد که سال‌ها از جور پهلوی‌ها به تنگ آمده بودند و مترصد فرصتی بودند که خشم فروخورده خود را بیرون بریزند که این مقاله این فرصت را برایشان فراهم آورد. از آن پس بود که ابتدا تبریز در چهل شهدای قم، قیام کرد و عده زیادی به شهادت رسیدند و مجروح شدند. در پی قیام مردم تبریز، مردم یزد و سایر شهرهای ایران در اعتراض به جور و ستم رژیم به خروش درآمدند و دامنه اعتراضات به‌سرعت شهرها و حتی روستاهای کشور را در بر گرفت.

و به رغم این‌که سابقه طولانی مبارزاتی، چه شد که پس از پیروزی انقلاب مسؤولیتی را قبول نکردید؟

خوشبختانه افراد زیادی بودند که این کارها را انجام بدهند و من ترجیح دادم سر و سامانی به زندگی خانوادگی و شغلی‌ام. که به‌کلی به هم ریخته بود. بدهم. برادرم حاج آقا سعید امانی کاملاً فعال بود و جور مرا هم می‌کشید. لذا صلاح دیدم که به خانواده‌ام برسم.

آیا از این‌که سال‌های زیادی را در زندان سپری کردید، احساس پشیمانی ندارید؟

هرگز. من اگر صد بار دیگر هم به دنیا بیایم، باز همین راه را خواهم رفت…

اما مردم در حال حاضر مشکلات فراوانی دارند…

نمی‌شود منکر اشکالات شد، اما ملت ایران در طول تاریخ ۲۰۰ سال گذشته، هرگز تا این حد سرفراز و سربلند نبوده‌است، همه اینها حاصل تلاش حضرت امام و شهدای بزرگوار و مبارزان صدیق و مخلص بوده و هست که هنوز هم در کمال گمانمی و به دور از هر شهرت و مقامی، مشغول خدمت هستند. تا کسی اختناق و تباهی رژیم پهلوی را تجربه و درک نکرده باشد، قدر سربلندی امروز را نمی‌داند. ایران که روزگاری مهره شطرنج بازیگران بین‌المللی بود، امروز خود در معادلات سیاسی منطقه و جهان تأثیرگذار است. در رژیم شاه، ارتش، اقتصاد، فرهنگ و همه چیز ما طبق برنامه آمریکایی‌ها اداره می‌شد. مردم با رهبری امام، آمریکا را خوار و خفیف کردند و از کشور راندند. اگر متوجه این مسائل نباشیم، نادانیم برای به ثمر رسیدن انقلاب چه مصائبی را از سر گذرانده‌ایم، در واقع کفران نعمت کرده‌ایم.

در واژه‌های زیر اقدام نماید.

آگهی مناقصه عمومی

نظافت داخلی واکن مسافری در مشهد(نوبت اول)

شماره ۹۹-۴-۱-۱۰۵

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد در نظر دارد، نظافت داخلی واکن قطارهای مسافری خود را در مشهد و نواحی از طریق برگزاری مناقصه عمومی به یک شرکت و یا پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

متقاضیان می‌توانند با واریز مبلغ ۲۰۰ هزار ریال به حساب شماره ۸۸۹۲۱۲۳۲-۸۸۹۲۱۲۳-۲۹۲ نزد بانک سینا شعبه پارک ساعی، از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز (به‌جز پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۸ صبح الی ۱۶ جهت دریافت و همچنین تحویل اسناد مناقصه در مدت مذکور به آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری بعد از تقاطع شهید مفتح، سمت چپ نرسیده به خیابان جهانتاب، پلاک ۱۷۳، طبقه دوم واحد امور قرارداده‌ها و در مشهد به آدرس: خیابان هاشمی‌نژاد، هاشمی‌نژاد۱/۸ پلاک ۸۳ مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر در تهران با شماره ۸۶۱۲۱۴۸۰ و در مشهد با شماره ۳۲۲۳۶۵۸۶-۰۵۱ تماس حاصل فرمایند.

آگهی مناقصه

شرکت نقش اول کیفیت (ناک) در نظر دارد، نسبت به برگزاری مناقصه دو مرحله ای عام بر اساس شرایط زیر اقدام نماید.

موضوع مناقصه: خرید تجهیزات و اجرای خدمات سیستم اعلام و اطفاي حريق مرکز تهران به شماره ۹۹-۴۱۳-۰۲

مهلت تحویل پیشنهادات: تا ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه ۷ تیرماه ۱۳۹۹ تمدید می گردد.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال که می بایستی به صورت ضمانتنامه بانکی و یاوجه نقد معادل سیزده جهت واریز به حساب شماره ۳۹۲۲۲۰۱۰۰۲۶۷۳۴۲۲۰۱

بست بانک شرکت نقش اول کیفیت ارايه گردد.

سایر موارد در اسناد مناقصه درج گردیده است.

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

لذا داوطلبان شرکت در مناقصه می توانند از تاریخ نشر این آگهی با مراجعه به پایگاه اینترنتی شرکت نقش اول کیفیت، به آدرس (https://nak-mci.ir/fa/tenders) اسناد مناقصه مربوطه را دریافت و پس از مطالعه دقیق شرایط آن نسبت به ارسال پیشنهادات خود، اقدام نمایند.

مناقصه گران می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۰۹۱۵۰۵۲۶۳۴ و ۸۱۷۱۷۸۰۶ (واحد زنجیره تامین) تماس حاصل نمایند.

شرکت پرسى ایران گاز تهران

در نظر دارد، آهـن آلات ضایعاتی به وزن تقریبی ۵۰ تن را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

از متقاضیان دعوت می‌شوداز تاریخ نشر این آگهی به مدت ۷روز جهت بازدید، دریافت و همچنین تحویل اوراق شرکت در مزایده به آدرس: تهران، شادآباد، خیابان ۱۷ شهریور، خیابان پرسى گاز جنوبی، پلاک ۱ شرکت پرسى ایران گاز تهران و یا شرکت پرسى ایران گاز، خیابان سهپهـد قرهـنی، خیابان برادران شـادابـغربی، پلاک ۹، طبقه اول و واحد بازرگانی و بازاریابی (صرفا در یافت اوراق) مراجعه نمایند.

تلفن های تماس در ساعات اداری ۰۲-۶۶۸۰۸۳۲۰۲می باشد.

روابط عمومی گروه پرسى ایران گاز

آگهی

مزایده

آگهی تغییرات شرکت راه و ساختمان بکران دبار شاهرود سهمای خاص به شماره ثبت ۱۰۲۳ و شناسه ملی ۰۶۱۲۰۰۱۰۴۸۰ به استناد صور تجلیسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۳ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: آقای ناصر رستمی به شماره ملی ۵۲۰۹۹۰۷۲۴۴ و خانم طاهره رستمی به شماره ملی ۵۲۰۴۸۹۳۶۱ و علی رضوانی به شماره ملی ۴۵۹۱۸۱۰۳۹۹ و حامد رضوانی به شماره ملی ۴۵۹۲۱۵۰۰۷ مجمع تصویب نمود در اجرای ماده ۱۲۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌تواند رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل یک نفر باشد. سپس مجمع به شرح ذیل نسبت به تعیین سمت مدیران اقدام نمود ۱- آقای ناصر رستمی به شماره ملی ۵۲۰۹۹۰۷۲۴۴ به عنوان رئیس هیات‌مدیره و مدیر عامل ۲- خانم طاهره رستمی به شماره ملی ۵۲۰۴۸۹۳۶۱ به عنوان نایب رئیس هیات‌مدیره ۳ - علی رضوانی به شماره ملی ۴۵۹۱۸۱۰۳۹۹ به عنوان عضو هیات‌مدیره ۴ - حامد رضوانی به شماره ملی ۴۵۹۲۱۵۰۰۷ به عنوان عضو هیات‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب و تعیین سمت گردیدند و کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی چک و سفته و برات و کلیه اوراق عادی و مراسلات با امضاء رئیس هیات‌مدیره، مدیرعامل (ناصر رستمی) به همراه مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان سمنان

مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شاهرود (۸۸۳۳۸)